

Underlying factors of emotional divorce in socio_ cultural context of Karaj

Received: 2018-12-24

Accepted: 2019-09-08

Kianoosh Zaharakar Dr.zaharakar@yahoo.com	PhD in family counseling, Department of Counseling, Kharazmi university of Karaj, Iran (Corresponding Author)
Bahram Hezarosi	Ph.D. Candidate in, counseling, Department of, counseling Kharazmi University.
Farshad Mohsenzadeh	Assistant Professor, Department of Counseling, kharazmi University of Karaj, Iran.
Azizullah Tajikesmaili	Assistant Professor, Department of Counseling, kharazmi University of Karaj, Iran.

Abstract

Emotional relationship is the most fundamental factor in marital relationship and the most destructive relationship is a close relationship that is devoid of intimacy and affection. In the present era, the emergence and growth of emotional divorce has disrupted the main function of the family. The purpose of this study was to investigate the causes of emotional divorce in the socio-cultural context of city of Karaj in order to prevent the proliferation of emotional divorce while enriching marital relations. The statistical population consisted of all couples referring to the Razi Counselling Centres in the city of Karaj, on whom Gatman's emotional divorce test was performed. Twenty people were selected using the Fundamentals Data Theory Methodology and Targeted Sampling, and the interviews continued until the theoretical saturation was achieved. Using semi-structured interviewing tools, the data were collected and in order to identify the factors and analyse the data the "encoding concepts and shaping a theory" of Strauss and Carbine was utilized. Analysis of data obtained in open coding led to identifying individual, family, relationship and process-social-cultural factors. The results indicate that "non-care and love-making" is the core pattern of the research findings. According to the findings of this research, advisers and psychologists who are engaged in professional marriage counselling services are advised to focus on the underlying factors that are presented in this article, and teach to the couple's skill and the art of caring for love (respect, trust, admission, honesty, loyalty, commitment and support).

Key words: *emotional divorce, underlying factors, lack of care and love-making, socio_ cultural context.*

citation

Zaharakar, K., Esmaili, A., Mohsenzadeh, F & Hezarosi, B. (2019). Underlying Factors of Emotional Divorce in Socio_ Cultural Context of Karaj. *Family Counseling and Psychotherapy*, 1, 125- 142.

شناسایی عوامل زمینه‌ساز طلاق هیجانی در بافتار فرهنگی اجتماعی شهر کرج

پذیرش: ۱۳۹۸-۰۶-۱۷

دریافت: ۱۳۹۷-۱۰-۰۳

کیانوش زهرا کار

دانشیار گروه مشاوره، دانشگاه خوارزمی کرج، ایران (نویسنده مسئول)

Dr.zahrakar@yahoo.com

بهرام هزاروسی

دانشجوی دکتری مشاوره، دانشگاه خوارزمی، کرج، ایران

فرشاد محسن زاده

استادیار گروه مشاوره، دانشگاه خوارزمی کرج، ایران

عزیز الله تاجیک اسماعیلی

استادیار گروه مشاوره، دانشگاه خوارزمی کرج، ایران

چکیده

رابطه هیجانی بنیادی‌ترین عامل پیوند زناشویی است و مخرب‌ترین رابطه، ارتباط نزدیکی است که تهی از صمیمیت و مهرورزی باشد. در عصر حاضر بروز و رشد طلاق هیجانی، اصلی‌ترین کارکرد خانواده را مختل کرده است. پژوهش حاضر باهدف بررسی عوامل زمینه‌ساز طلاق هیجانی در بافت اجتماعی فرهنگی شهر کرج انجام شد تا برآیندهای آن بتواند ضمن پیشگیری از گسترش طلاق هیجانی زمینه غنی‌سازی روابط زناشویی را فراهم آورد. جامعه آماری شامل همه زوجین مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره رازی شهر کرج بود که از آن‌ها آزمون طلاق هیجانی گاتمن به عمل آمد. با استفاده از روش نظریه داده بنیاد و نمونه‌گیری هدفمند ۲۰ نفر انتخاب شد و تا رسیدن به اشباع نظری مصاحبه با آن‌ها ادامه یافت. با ابزار مصاحبه نیمه ساختاریافته، داده‌ها جمع‌آوری و برای شناسایی عوامل و تحلیل داده‌ها از فنون «کدگذاری مفاهیم و پی‌ریزی یک دیدگاه» اشتراوس و کربین استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده در کدگذاری باز، به شناسایی عوامل فردی؛ خانوادگی؛ رابطه‌ای و فرایندی؛ اجتماعی فرهنگی منجر شد. برآیندها نشانگر این است که «عدم مراقبت و عشق‌ورزی» مقوله محوری الگوی یافته‌های پژوهش است. با توجه به یافته‌های پژوهش به مشاوران و روانشناسانی که به فعالیت حرفه‌ای مشاوره ازدواج و زوج‌درمانی اشتغال دارند، پیشنهاد می‌شود که به عوامل زمینه‌سازی که در این مقاله آمده توجه ویژه‌ای داشته باشند و به زوج‌ها مهارت و هنر مراقبت از عشق (احترام، اعتماد، پذیرش، صداقت، وفاداری، تعهد و حمایت) را آموزش دهند.

واژگان کلیدی: طلاق هیجانی، عوامل زمینه‌ساز، عدم مراقبت و عشق‌ورزی، بافت اجتماعی فرهنگی

زهرا کار، کیانوش؛ اسماعیلی، عزیز الله؛ محسن زاده، فرشاد و هزاروسی، بهرام. (۱۳۹۸). شناسایی

عوامل زمینه‌ساز طلاق هیجانی در بافت فرهنگی اجتماعی شهر کرج. مشاوره و روان‌درمانی

ارجاع

خانواده، ۱: ۱۲۵-۱۴۲.

مقدمه

ازدواج پیوندی هیجانی است که نیازهای بنیادی مانند رابطه جنسی، حمایت‌های اقتصادی، اجتماعی و معنوی زوجین را برآورده می‌سازد. درواقع، افراد ازدواج را برای آرامش، لذت و رشد انتخاب می‌کنند (Mohamadi, Alizadeh, & Sedaghat, 2011). نیاز به توجه و تأیید ریشه‌ای‌ترین عامل گرایش مردم به ازدواج است و از راه ازدواج نیاز به عشق و صمیمیت برآورده می‌شود (Chapman, 2010). رضایت زوج‌ها به‌طور قابل‌اعتمادی برآمده از ارضای نیاز به عشق و تعلق، ارتباط مؤثر، ثبات هیجانی و توافق بالا در بین همسران است (Dyrenforth, Kahsy, & Amato, Johnson, Booth, 2010). علیرغم مزایا و فواید یک ازدواج خوب و تمایل زوج‌ها برای داشتن یک زندگی مشترک طولانی‌مدت و شاد، حدود ۴۰ تا ۵۰ درصد ازدواج‌ها در ایالت متحده به طلاق ختم می‌شود (Amato, Johnson, Booth, 2010). دفتر سرشماری ایالات متحده، نقل شده در (Allendorf, Ghimire, Clark, & Kepler, 2015). در ایران نیز آمارها، بیانگر افزایش پدیده طلاق در سال‌های اخیر هست، به‌طوری‌که در سال ۱۳۹۶ تعداد ۶۰۸۹۷۷ ازدواج و ۱۷۴۵۹۷ مورد طلاق ثبت شده است و در استان البرز در همین سال ۶۱۲۴ طلاق در مقابل ۱۵۳۷۴ ازدواج به ثبت رسیده است. حدود ۳۹/۸ درصد ازدواج‌ها به طلاق منجر شده است (<http://www.sabteahval.ir>).

تمام ازدواج‌هایی که به جدایی و طلاق ختم می‌شوند ناگهانی به این نقطه نرسیده‌اند، درواقع طلاق یک فرایند است که اولین مرحله آن، طلاق هیجانی^۱ است؛ مرحله‌ای که زوجین در دنیای بیرونی ممکن است بسیار صمیمی و در کنار هم به نظر برسند، اما رابطه آن‌ها خالی از شور و شوق و هیجان است. زن و شوهر با یکدیگر ارتباط صمیمی-ای ندارند و نمی‌توانند درباره احساسات و عواطف خود با یکدیگر حرف بزنند و تعامل زناشویی مناسبی هم ندارند. این موضوع در درازمدت فشار روانی زیادی به زوجین وارد می‌کند و زندگی مشترک کسالت‌بار و فرسایشی به وجود می‌آورد (زمانی، احدی و عسگری، ۱۳۹۳). طلاق هیجانی به سردی رابطه میان زن و شوهر منجر می‌شود، این نوع طلاق مربوط به خانواده‌هایی است که به دلایلی مانند سنت‌های حاکم بر خانواده یا باورهای نادرست و نگرش-های منفی جامعه به زنان مطلقه، ترس و نگرانی از تنهایی، از دست دادن فرزندان یا ناتوانی در تأمین نیازهای زندگی تصمیم می‌گیرند که به‌اجبار با همسرشان زیر یک سقف زندگی کنند (زمانی و همکاران، ۱۳۹۳). طلاق هیجانی مسئله پیچیده‌ای هست که می‌توان آن را از جنبه‌های گوناگون اقتصادی و اجتماعی (Sandreston, 2011)، محیطی (Jerskey & et al, 2010) و صفات شخصیتی (Bover, 2010)، ارتباطی و تعهد به ازدواج (Amato & Hohmann, 2009؛ Marriott, 2009؛ Birditt & et al, 2010) موردبررسی قرارداد (نقل شده در شاکرین، ناظری، معصومی و دانایی، ۲۰۱۴). چنانچه زوجین به‌سرعت متوجه این موضوع نشوند و درصدد رفع مشکلات مربوط به آن برنیابند، جدایی فیزیکی و قانونی پیامدی است که درنهایت اتفاق خواهد افتاد (Tumer, 2011).

عوامل زمینه‌ساز^۱ به موقعیت‌ها، ویژگی‌ها، متغیرها و رویدادهایی اشاره دارند که احتمال وقوع مشکل را افزایش می‌دهند (Creswell, 2005)، ترجمه کیامنش و دانای طوس، ۱۳۹۷). در پژوهش حاضر، منظور از عوامل زمینه‌ساز، مجموعه موقعیت‌ها، ویژگی‌ها، متغیرها و رویدادهایی است که احتمال وقوع طلاق هیجانی را افزایش می‌دهد. این عوامل می‌توانند: ۱- عوامل فردی ۲- عوامل خانوادگی (خانواده اصلی) ۳- عوامل رابطه‌ای (تعاملی) و فرایندی ۴- عوامل فرهنگی و اجتماعی، زوجین در طول زندگی زناشویی باشند.

در پهنه‌ی نظری مرتبط با طلاق هیجانی (Bowen 1976) معتقد است که سطح تمایز یافتگی فرد و میزان وابستگی او به خانواده اصلی بر کیفیت روابط زوج‌ها تأثیر دارد. یکی از مفاهیم بوئی که در تبیین طلاق هیجانی از همپوشی بالایی برخوردار است، «برش هیجانی»^۲ است. (Shore & Shover 2003) معتقدند اگر ایجاد ارتباط منجر به اضطراب شود، افراد تلاش می‌کنند با کاهش ارتباط، اضطراب را کاهش دهند. زوج‌ها از طریق اجتناب فیزیکی یا انواع مختلفی از کنار کشیدن‌های درونی می‌خواهند فاصله‌شان را حفظ کنند و این فاصله، اضطراب ایجاد شده به خاطر تماس را کاهش می‌دهد، اما آن آرامشی که ناشی از تماس هیجانی با خانواده است را نیز محدود می‌کند (نقل شده در زهرا کار و جعفری، ۱۳۹۴). یکی دیگر از نظریه‌های خانواده‌درمانی که مفاهیم نظری آن تبیین‌کننده نظرات مشارکت‌کنندگان در این پژوهش هست، نظریه خانواده‌درمانی مینوچین است. وی معتقدند خانواده یک سیستم است. همه بخش‌های سیستم بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند و سه عنصر ساختار، زیر منظومه‌ها و مرزها چگونگی تعاملات گرفتار اعضای خانواده را مشخص می‌کند. اگر ساختار خانواده از انعطاف خوبی در مواجهه با تغییرات درونی و بیرونی برخوردار نباشد، خانواده نمی‌تواند سازگاری پیدا کند و عملکرد خانواده دچار اختلال می‌شود (ثنایی، ۱۳۸۱). همچنین Sternberg معتقد است که عشق شامل الفت^۳ (صمیمیت)، تمایل شدید^۴ (هوس) و تعهد^۵ است. در روابط زناشویی ترکیب‌های متفاوتی از این سه جزء تشکیل‌دهنده عشق و یا فقط یکی از آن‌ها ممکن است وجود داشته باشد. در طلاق هیجانی ترکیب تعهد و هوس با فقدان صمیمیت، رابطه‌ای عذاب‌آور و فرسایشی را به وجود آورده است. گاهی اوقات انگیزه شدیدی آن‌ها را جذب یکدیگر می‌کند اما سرانجام به یأس و ناکامی منجر می‌گردد، چون زوج‌ها قادر به عمق بخشیدن به رابطه خود نیستند (زمانی، ۱۳۹۳). از نظر رویکرد سیستمی Marks (1989) Stephen طلاق هیجانی زمانی اتفاق می‌افتد که در آن هر دو همسر با زاویه سومشان آمیخته‌اند و از زاویه همسری‌شان فاصله گرفته باشند. زاویه سوم می‌تواند هر چیزی از جمله فرزند، کار و دوستان باشد. زوج‌ها با توجه به فاصله هیجانی که بین آن‌ها به وجود آمده است، رابطه‌ای بی‌کیفیت باثبات و طولانی را تا زمان حضور زاویه سوم

-
1. predis posing Factors
 2. emotional cutoff
 3. Intimacy
 4. Passionate
 5. Commit ment

تجربه می کنند (به نقل از روشنی، ۱۳۸۹). از دیدگاه (1977) Erich Fromm عشق بارور همواره بر علائم «توجه» «مسئولیت»، «احترام» و «شناخت» دلالت می کند. از دیگر مؤلفه های عشق «حمایت» و «قدردانی» است. عشق ورزیدن به دیگران یعنی مهرورزیدن به آنها (یعنی مراقبت و مواظبت از آنان) همچنین، عشق ورزیدن یعنی محترم شمردن و پذیرش فردیت آنها، یعنی مهرورزیدن به آنها برای آنکه و آنچه هستند.

روشنی، گلزاری و باستانی (۱۳۸۹) در پژوهش بررسی علل و شرایط میانجی طلاق هیجانی نقش عدم شناخت زوجین از یکدیگر، عدم همدلی و همراهی، ناشی از ناتوانی مردها در شناخت نیازهای زن را علت طلاق هیجانی گزارش کرده اند. زمانی و همکاران (۱۳۹۳) به نقل از Buss & Shackelford گزارش کردند که رسیدن به مرحله طلاق هیجانی می تواند متأثر از عوامل، کار و اشتغال بیش از حد؛ مشکلات اقتصادی و مالی؛ اختلاف در زمینه مسائل زناشویی و جنسی؛ تفاوت در زمینه های فرهنگی و تربیتی؛ در اختیار داشتن سرگرمی های متنوع؛ عدم توافق بر سر چگونگی اوقات فراغت و نیز برخی از ویژگی های شخصیتی مانند خودخواهی؛ زیاده خواهی؛ غرور؛ لجبازی؛ تنوع طلبی؛ اعتماد به نفس و عزت نفس پائین باشد.

خلاً پژوهش های کیفی؛ کمبود بررسی هم زمان زوج های درگیر طلاق هیجانی؛ نقص در پژوهش های کمی که صرفاً به بررسی همبستگی یک یا دو متغیر در پیش بینی طلاق هیجانی پرداخته اند و نقص دانش بافتی موجود درباره مؤلفه هایی که می توانند در کاهش و پیشگیری از طلاق هیجانی مفید باشند، از دلایل مهم ضرورت و برجستگی این پژوهش است. هدف پژوهش حاضر شناسایی عوامل زمینه ساز^۱ طلاق هیجانی از نگاه کسانی که خود درگیر آن هستند و ارائه یک مدل مفهومی در راستای توجه و ارائه راهکارهای کاربردی در این زمینه است.

روش

پژوهش حاضر، یک پژوهش کیفی از نوع داده بنیاد^۲ است. این روش زمانی که در حوزه ای کمبود اطلاعات و پژوهش وجود داشته باشد، روش مناسبی است و امکان جمع آوری اطلاعاتی عمیق را فراهم می کند (Strauss & Corbin, 1997) ترجمه افشار، (۱۳۹۱). جامعه مورد پژوهش از زوج هایی بود که از بهمن ۱۳۹۵ تا پایان شهریور ۱۳۹۶ به مراکز مشاوره رازی شهر کرج (واقع در مناطق فردیس و جهان شهر) با اختلافات شدید زناشویی مراجعه کردند. با روش نمونه گیری هدفمند با ۲۰ نفری که پس از انجام آزمون، نمره ۸ از طلاق هیجانی را کسب کردند؛ مصاحبه اولیه انجام شد. سؤالات نیمه ساختاریافته از مصاحبه اولیه استخراج گردید و تا رسیدن به اشباع نظری مصاحبه ادامه یافت. سپس نتایج آن مورد استفاده و استناد در این پژوهش قرار گرفت. ملاک های ورود به پژوهش شامل: ۱. تمایل به مشارکت و همکاری در انجام پژوهش ۲. داشتن تحصیلات حداقل دیپلم ۳. گذشت حداقل سه سال از زندگی مشترک. ملاک های خروج ۱- عدم اخذ نمره حدنصاب در مقیاس طلاق هیجانی ۲. متقاضی طلاق یا برای دادخواست طلاق، اقدام کرده باشند.

1. Underlying Factors

2. grounded theory

بزارها

پرسشنامه طلاق هیجانی گاتمن: برای غربالگری از پرسشنامه طلاق هیجانی گاتمن استفاده شد. مقیاس طلاق هیجانی^۱ از کتاب موفقیت یا شکست در ازدواج نوشته جان گاتمن گرفته شده است. این پرسشنامه در سال ۲۰۰۸ نوشته شده و در ایران اولین بار توسط جزایری (۱۳۸۷) ترجمه و مورد استفاده قرار گرفته. شامل جملاتی درباره جنبه‌های مختلف روابط زناشویی است که ممکن است فرد با آن موافق یا مخالف باشد. این مقیاس ۲۴ سؤال دارد و به شیوه بله یا خیر باید به آن جواب داد. نمره گذاری پرسشنامه به صورت بله یا خیر است. پاسخ بله یک امتیاز و پاسخ خیر صفر می‌گیرد. حداقل و حداکثر نمره فرد در کل مقیاس صفر تا ۲۴ است. هر چه میزان جواب‌های بله بیشتر باشد احتمال طلاق هیجانی بیشتر است. بدین صورت که در نمره بین ۰ تا ۸ احتمال جدایی در زندگی ضعیف است. در نمره بین ۸ تا ۱۶ طلاق هیجانی شدید و احتمال جدایی متوسط است. در نمره بالای ۱۶ طلاق هیجانی بسیار شدید و احتمال جدایی بالا است. بنا بر این نمرات بالا در این مقیاس نشان می‌دهد که احتمال طلاق هیجانی بیشتر است. در نسخه اصلی ضریب پایایی مقیاس بالای ۰/۷۰ گزارش شده است. در نسخه ایرانی آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۸۳ به دست آمد (مامی و عسگری، ۱۳۹۲). همچنین در پژوهش صمدی فرد (۱۳۹۲) روایی محتوایی مقیاس مطلوب گزارش شده است. ضریب پایایی آلفای کرونباخ ۰/۷۷ به دست آمد است.

مصاحبه نیمه ساختار یافته: مصاحبه نیمه ساختار یافته روشی است که در پژوهش حاضر مورد استفاده قرار گرفت. به این شکل که پس از انجام چند مصاحبه مقدماتی، سولاتی استخراج شد و در مصاحبه اصلی اول مورد استفاده قرار گرفت. پس از تحلیل اولین مصاحبه، این سولات و مفاهیم جای خود را به مفاهیمی داد که از داده‌ها استخراج می‌شدند و مبنای گردآوری داده‌ها در مرحله بعد شدند (استراوس و کرین، ترجمه افشار، ۱۳۹۱).

شیوه اجرای پژوهش

گام‌های طی شده برای اجرا و تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی به شرح زیر است:

با توجه به ادبیات تحقیق، محورهای مصاحبه را در چند دسته قرار گرفت که عبارت‌اند از عوامل زمینه‌ساز (فردی، اجتماعی فرهنگی، خانوادگی، رابطه‌ای و تعاملی). روش نظریه داده بنیاد مستلزم این است که جمع‌آوری داده‌ها، کدگذاری و تحلیل به صورت هم‌زمان انجام گیرد. در کدگذاری باز، مفاهیم و مقوله‌ها از داده‌های خام به شکل واحدهای معنایی از همدیگر تفکیک می‌شوند و اسامی نسبت داده شده به واحدهای معنایی یک کد یا مفهوم را شکل می‌دهند. مفاهیم ایجاد شده به صورت پیوسته با همدیگر مقایسه می‌شوند تا مشخص شود که آیا مفهوم تازه یک رویداد متفاوت از مفاهیم قبلی است یا نه. اگر متفاوت بود بر مفاهیم قبلی اضافه می‌شود ولی اگر بر رویدادی مشابه با یکی از مفاهیم قبلی دلالت داشته باشد آن تلفیق می‌گردد. کدگذاری محوری به تمرکز بر یک مقوله خاص، طرح

درباره آن و یافتن پاسخ این سؤالات اشاره دارد. برای تحقق این امر توجه عمیق به بافت (کجا، چه زمانی و چرا)، اعمال یا تعاملات (فرایند پاسخ‌ها و فرایندهای به کار بسته شده) و پیامدها معطوف می‌شود.

در این مرحله، نظریه پرداز داده بنیاد، یک مقوله محوری کدگذاری باز را انتخاب کرده و آن را در مرکز فرایندی که در حال بررسی آن است، قرار می‌دهد و سپس، دیگر مقوله‌ها را به آن ربط می‌دهد. مقوله‌های دیگر، عبارت است از شرایط علی؛ شرایط زمینه‌ای؛ شرایط مداخله‌گر؛ راهبردها؛ پیامدها. این مرحله مشتمل بر ترسیم یک نمودار است که الگوی کدگذاری نامیده می‌شود. الگوی کدگذاری، روابط فی‌مابین شرایط علی، شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها را نمایان می‌کند (Creswell, 2005 نقل شده در دانایی فرد و امامی، ۱۳۸۶). این شش جعبه از اطلاعات موجود در الگوی کدگذاری عبارت‌اند از: شرایط علی، شرایطی است که بر مقوله محوری اثرگذار است. شروطی لازم ولی ناکافی جهت دستیابی به پیامدهای حاصل از به کارگیری راهبردها است. شرایط زمینه‌ای، شرایط خاصی که بر راهبردها تأثیر می‌گذارند، به دیگر معنا طبق مدل پارادایمی تا زمینه وجود نداشته باشد، راهبردها آن‌طور که باید و شاید، به نتیجه نمی‌رسند. شرایط مداخله‌گر، شرایط زمینه‌ای عمومی است که بر راهبردها تأثیر می‌گذارند. مقوله محوری، مقوله‌ای اصلی است که می‌توان دیگر مقوله‌ها را به آن ربط داده و به کرات در داده‌ها ظاهر می‌شود. راهبردها، کنش‌ها و برهم کنش‌های خاصی است که از مقوله محوری حاصل می‌شود. پیامد، خروجی حاصل از به کارگیری راهبردها است (شماعی کوپائی و اسماعیلی گیوی، ۱۳۹۳). کدگذاری انتخابی، مرحله آخر تحلیل داده‌هاست. هدف اصلی آن یافتن روابط موجود در بین موضوعات و مقوله‌هاست. کدگذاری عمودی زمینه را برای کدگذاری انتخابی آماده می‌کند، ربط دادن (یکپارچه‌سازی) مقوله‌ها به یکدیگر برای ایجاد نظریه درباره آنچه داده‌ها می‌گویند (توجیه پدیده‌ها) ضرورت دارد که این عمل با انتخاب یک مقوله محوری باید مکرر و برجسته باشد و همه مقوله‌های اصلی کشف شده در داده‌ها به آن مرتبط باشند (محسن زاده، ۱۳۸۹).

در پژوهش‌های کیفی به جای دو مفهوم اعتبار و روایی از مفهوم قابلیت اعتماد استفاده می‌شود. برای رسیدن به معیار قابلیت اعتماد در پژوهش حاضر، از سه فن متعارف و بسیار مرسوم استفاده شده است که به ترتیب عبارت‌اند از: الف) مقایسه‌های تحلیلی به این معنی که به داده‌های خام رجوع می‌شود تا ساخت بندی نظریه با داده‌ها مقایسه و ارزیابی شود. ب) کنترل یا اعتباریابی توسط مشارکت‌کنندگان که در این روش، از مشارکت‌کنندگان خواسته می‌شود تا یافته‌های کلی را ارزیابی کرده و در مورد صحت آن نظر دهند. ج) روش دلفی: رویکرد یا روشی سیستماتیک در پژوهش برای استخراج نظرات از یک گروه متخصصان در مورد یک موضوع یا یک سؤال است (استراوس و کرین، ۱۹۹۷ ترجمه افشار، ۱۳۹۱). بعد از مشخص شدن عوامل زمینه‌ساز طلاق هیجانی، این عوامل به گروهی از متخصصین حوزه مشاوره و روان‌درمانی و باتجربه حرفه‌ای زوج‌درمانی ارائه می‌گردد تا درباره صحت داده‌ها اظهار نظر نمایند.

اصول اخلاقی

قبل از شروع هر مصاحبه علاوه بر رضایت اولیه از مشارکت کنندگان برای ضبط گفتگو و دلایل آن کسب اجازه می‌شد، هیچ گونه هزینه‌ای از آن‌ها دریافت نشد. در پایان کار به رسم تشکر به زوجها علاقه‌مند مشاوره رایگان ارائه شد.

یافته‌ها

پس از بررسی اطلاعات جمعیت شناختی داده‌های جمع‌آوری شده که در جدول شماره ۱ آورده شده است. تبیین عوامل علی، زمینه‌ساز، تسهیلگر و راهبردها و پیامدهای طلاق هیجانی پرداخته شده است. در این فرایند سؤالات پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است.

جدول ۱. اطلاعات جمعیت شناختی پژوهش

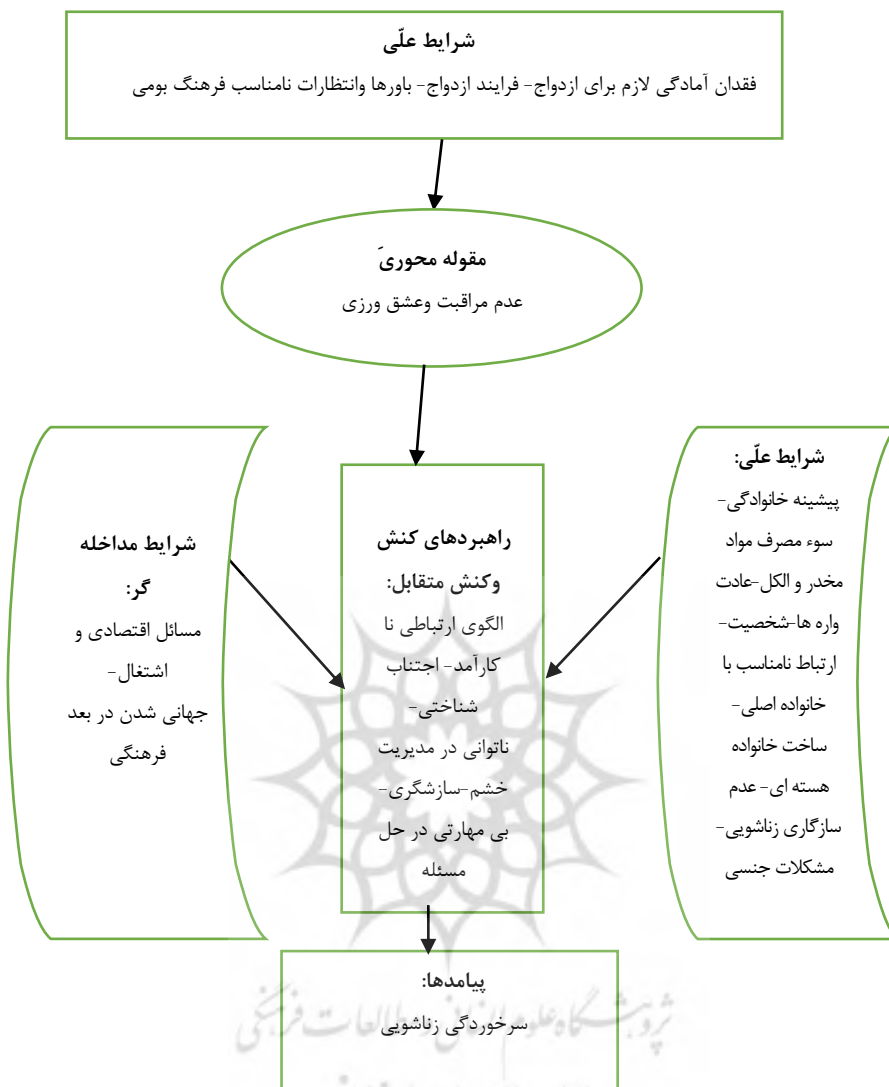
شماره	جنسیت	سن	تحصیلات	شغل	مدت ازدواج	تعداد فرزندان	نوع ازدواج
۱	زن	۵۲	دیپلم	خانه‌دار	۲۷ سال	۳	سنتی
۲	زن	۴۹	فوق‌دیپلم	خانه‌دار	۳۰ سال	۲	دوستی
۳	مرد	۴۷	دیپلم	فروشنده	۱۱ سال	۲	دوستی
۴	مرد	۵۵	کارشناسی	پرستاری	۱۱ سال	۱	مصلحتی
۵	زن	۵۸	کارشناسی	دبیر	۳۴ سال	۳	دوستی
۶	زن	۴۷	دیپلم	خانه‌دار	۱۹ سال	۲	سنتی
۷	مرد	۲۶	کارشناسی	کارمند	۸ سال	۰	دوستی
۸	زن	۳۵	دیپلم	خانه‌دار	۱۲ سال	۱	فامیلی
۹	زن	۲۲	دیپلم	خانه‌دار	۵ سال	۰	دوستی
۱۰	زن	۳۵	کاردانی	آرایشگر	۱۲ سال	۲	مصلحتی
۱۱	مرد	۴۱	فوق‌دیپلم	حسابدار	۱۸ سال	۲	دوستی
۱۲	زن	۴۴	دیپلم	خانه‌دار	۳۰ سال	۳	فامیلی
۱۳	مرد	۲۹	کارشناسی	کارمند	۱۰ سال	۱	دوستی
۱۴	زن	۳۶	دکتری	پریشک	۱۵ سال	۱	مصلحتی
۱۵	زن	۲۹	کاردانی	کارمند	۵ سال	۰	دوستی
۱۶	مرد	۳۲	کارشناسی ارشد	وکیل	۶ سال	۱	مصلحتی
۱۷	زن	۲۳	دیپلم	خانه‌دار	۶ سال	۲	سنتی
۱۸	مرد	۴۷	کارشناسی ارشد	دبیر	۲۵ سال	۲	سنتی
۱۹	زن	۳۳	کارشناسی	خانه‌دار	۵ سال	۱	سنتی
۲۰	زن	۴۱	کارشناسی	کارمند	۲۰ سال	۲	دوستی

داستان کلی برآمده از بررسی داده‌ها در روایت‌های فردی مشارکت کنندگان این پژوهش شامل ۱۶ مضمون است. این شاخص‌ها که در طول فرایند تحلیل و تبیین روایت‌ها و تجارب زندگی مشترک مشارکت کنندگان، حاصل شد. شامل، فقدان آمادگی لازم برای ازدواج؛ پیشینه خانوادگی فرد؛ سوءمصرف مواد مخدر و الکل؛ عادت واره‌ها؛ اختلالات شخصیت؛ راهبردهای ارتباطی و هیجانی ناکارآمد؛ ارتباط نامناسب با خانواده اصلی؛ فرایند ازدواج؛ ساختار خانواده هسته‌ای؛ عدم سازگاری زناشویی؛ مشکلات جنسی؛ سرخوردگی زناشویی؛ عدم مراقبت و

عشق‌ورزی؛ جهانی شدن در بعد فرهنگی؛ و چالش‌های ناشی از فرهنگ بومی و مسائل اقتصادی و شغلی می‌باشند که در جدول ۲ به همراه نمونه‌ای از گفته‌های مشارکت‌کننده فراوان است. همچنین مدل مفهومی عوامل زمینه‌ساز طلاق هیجانی استخراج شده از روایت‌های مشارکت‌کنندگان که به‌عنوان هدف دوم این پژوهش بود، در شکل ۱ آورده شده است.

جدول ۲ - نمونه روایت‌های مشارکت‌کنندگان

مؤلفه‌ها	نمونه متن مصاحبه
فقدان آمادگی لازم برای ازدواج	...من ۱۶ سالم بود خودمم نمی‌شناختم چه رسد به شوهرداری و به اجبار خانواده ازدواج کردم...هیچی بلد نبودم... (۱۱)
پیشینه خانوادگی فرد	شوهرم خیلی بد دهنه...کپی پدرشه، منم مثل مادر شوهرم به عمره توهین وبی احترامی شنیدم ... (۱۰)
سوء مصرف مواد مخدر و الکل	شوهرم قبل از ازدواج سابقه مصرف مواد داشت، حدود ۳ سال پاک بودن ولی ۴ ساله دوباره شروع کرده و متأسفانه منم درگیر کرده و یک سالی هست باهم گل می‌زنیم و تنها فعالیت مشترک ما مصرف مواد است... (۶)
عادت واره‌ها	خیلی بدلباس و کثیفه، بالباس کارمی خواجه.. هفته یک‌بار به‌زور حمام می‌کنه... همیشه بالباس که از فوتبال برمی‌گرده می‌خواجه... آدم اجتماعی نیست تا حالا یک باریک مهمانی و مراسمی با من نیامده، دیگه خسته شدم از بس غیبش را توجیه کردم. (۲۰)
مشکلات شخصیت	همیشه دل‌شوره دارم و فکر می‌کنم به اتفاق بدمی افته...بی‌جهت سر بچه‌ام داد می‌زنم... حتی می‌زنمش... خیلی وابسته و نگرانم دائم فکر می‌کنم اگر یکی از افراد خانواده‌ام را از دست بدهم خودم بیچاره می‌شوم... (۱۷)
راهبردهای ارتباطی و هیجانی	همیشه سعی کردم کوتاه بیام... هرکسی جای من بود با خیانتی که کرد آبروشا می‌برد... دوست ندارم اذیت بشه... (۱۲)
ارتباط نامناسب با خانواده اصلی	پدرشوهرم برای ما خرید میکنه... باسلیقه و ذائقه خودش... مادر شوهرم همیشه کارت شوهرم را شارژ می‌کنه... (۱۹)
فرایند ازدواج	...قبل از ازدواج باهم دوست بودیم بعد از ازدواج خیلی همدیگر را چک کردیم...باینکه ظاهراً می‌گیم به هم اعتماد داریم ولی با رفتاراش نشون می‌ده به من شک داره... و یکسره تماس‌ها و گوشی منا چک می‌کنه... (۱۵)
ساخت خانواده هسته‌ای	توی خونه هرکی، هرکیه... آن‌قدر باهم دعوا کردیم که دیگه حانمون پیش بچه‌ها رنگ ندار... همه برای خودشون کدخدا هستن (۴)
عدم سازگاری زناشویی	ازهمون اول سر تربیت بچه دعوا داشتیم... اصلاً انگار با من لج داره... خیلی بچه‌ها را رها کرده... با من همراه نیست... (۱۴)
مشکلات جنسی	متنفرم از نزدیکی باهمسرم... از همان ابتدا متوجه خود ارضایی ایشون شدم... حس خیلی بدی نسبت به او دارم... (۱۰)
سر خوردگی زناشویی	از بس حرص خوردم اون آدم نشد مشکل تیروئید پیدا کردم، سیستم دفاعی بدنم ضعیف شده... ید درمانی می‌کنم... کسی که په روزی به خاطرش جلو خانواده ایستادم... الان مثل په قطره اشک از چشمم افتاده (۲)
عدم مراقبت و عشق‌ورزی	باینکه پزشکم شوهر همیشه تو خلوت تو جمع از من ایراد می‌گیره... خونه داری مناسخره می‌کنه (۱۴) همیشه تو زندگی مشترک حامی و پشتیبانی نداشتم، کارخونه، کار بیرون، تربیت بچه‌ها خیلی تنهام (۲۰) همیشه می‌گه تو خودت را به من انداختی هیچ‌وقت دوست نداشتم (۵)
جهانی شدن	فقط می‌خوره قبلاً زن‌ها مد پرست بودن... هیچ لباسی بیش از دوبار نمی‌پوشه... تنوع طلبه... بی‌بند و باره تو فضای مجازی پازن‌های مختلف چه شوخی‌های جلفی که نمی‌کنه... بعد از ۱۰ سال هنوز زندگی مجردپشا کنار نگذاشته فقط به فکر راحتی و لذت‌های خودشه... به جور تو زندگی سرگشته شده و روزمرگی می‌کنه... هیچی شادمون نمی‌کنه... (۵) و (۲)
چالش‌های ناشی از فرهنگ بومی	مادر شوهرم می‌گفت ما برائش زن گرفتیم آدم بشه... سربراه بشه اعتیادش را ترک کنه (۶) - من ازدواج کردم تا دوست‌پسرم را فراموش کنم (۱۰) توی خانواده ما آدم‌ها و رابطه آن‌ها مهم نیست، همه چیز فدای جمع بایدبشه... (۴)
مسائل اقتصادی و اشتغال	من ۱۰ ساله که پزشکم و درآمد را توی زندگی همسرم هزینه کردم دریغ از اینکه په پوشی بنام من باشه... (۱) - سه ساله از کارش به خاطر اعتیاد بیرونش کردن و مدام توی خونه بیکاره... په مدت روتاکسی کار می‌کرد اونم رها کرد (۱۴)



شکل ۱. مدل پارادایمی عوامل زمینه ساز طلاق هیجانی

بحث و نتیجه گیری

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که فقدان آمادگی لازم برای ازدواج یکی از عوامل زمینه‌ساز طلاق هیجانی است. عدم بلوغ فکری و هیجانی و عدم استقلال مالی و درآمد، شرایط مناسبی برای ازدواج نیست. روایت تعدادی از مشارکت‌کنندگان بیانگر این بود که به دلیل عدم پختگی و ازدواج در سنین پائین زوج‌ها در مواجهه با چالش‌های زندگی از توان لازم برای حل مشکل برخوردار نیستند. این افراد به‌صرف اینکه از نظر جسمانی شبیه پدر یا مادرشان شدن به توصیه والدین اقدام به ازدواج کردند و بدون اینکه تصویر مناسبی از

واقعیت‌های زندگی زوجی داشته باشند، به سرعت در مسیر بی‌ثباتی در روابط زناشویی و تنش گام برداشتنند. ناتوانی در کنترل هیجانات منفی و بی‌مهارتی در ابراز هیجانات و احساسات مثبت، ناتوانی در درک و فهم رفتار متقابل، زمینه را برای تعارض و عدم رضایت زناشویی فراهم کرده است. در همین راستا بستر برای حضور خانواده‌های اصلی به نیت کمک مهیا شده است که غالباً همراه با طرفداری، قضاوت و مقصر سازی زوج‌ها را به سازش و تحمل سفارش کردند و غافل از اینکه زمینه سردی و بی‌تفاوتی را در آن‌ها گسترش دادند.

همسو با یافته‌های اخوی (۱۳۹۶)، خجسته مهر، محمدی و عباس پور (۱۳۹۵)، قلیلی، اعتمادی، احمدی، فتحی زاده و عبدی (۲۰۱۲) گزارش کردند که پختگی، میزان درآمد، تحصیلات و سن، ارتباط زیادی با آمادگی برای ازدواج افراد دارد.

دوستی‌ها و روابط قبل از ازدواج به دلیل خودمانی شدن رابطه و حذف یا کم‌رنگ شدن مرزها زوج‌ها را پس از ازدواج در رعایت حریم شخصی با مشکل روبرو می‌سازد. حرمت‌ها کمتر حفظ می‌شود و رابطه دوستی قبلی مانع شکل‌گیری رابطه زناشویی می‌شود. هم‌سطح شدن، وابستگی هیجانی در دخترها و بیداری آلتی در پسرها (صرفاً عشق از نوع EROS) آن را در انتخاب آگاهانه دچار مشکل می‌کند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که بیش از ۷۰٪ مشارکت‌کنندگان قبل از ازدواج تجربه دوستی باهم داشتند که معاشرت‌ها قبل از ازدواج در طلاق هیجانی تأثیرگذار بوده است. افرادی که پیش از ازدواج با یکدیگر رابطه داشته‌اند، بعد از ازدواج در حل مشکلات خود عاجزند، چراکه به یکدیگر بدبین هستند. فضای ارتباطی بین آن‌ها پر از سوءظن، بدبینی است. خلج آبادی (۱۳۹۰) و قرایی مقدم (۱۳۹۴) همخوان با این یافته‌های گزارش کردند که رابطه دوستی و معاشرت‌های قبل از ازدواج بخصوص اگر متعدد و عمیق باشد، موجب تمایل کمتر به ازدواج و افزایش سن ازدواج می‌شود، همچنین می‌تواند اثر منفی در کیفیت ازدواج و احتمال بیشتر طلاق و جدایی را فراهم آورد.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تأثیر عادت واره‌ها در طلاق هیجانی بیشتر از سرمایه‌های فرهنگی مشترک است و علیرغم سطح تحصیلات یکسان، موقعیت و پایگاه اجتماعی مشترک، اگر یکی از زوجین از طرف مقابل عادت واره‌هایی (علاق و سلیقه‌های متفاوتی چون طرز لباس پوشیدن، نحوه غذا خوردن و نظافت فردی) را که از او انتظار ندارد در طول زندگی مشاهده کند این مسئله باعث دل‌زدگی و سردی او از طرف مقابل می‌شود و به دوری گزیدن از یکدیگر و طلاق هیجانی ختم می‌شود. این یافته‌ها با پژوهش (Bourdieu, 1984) همسو هست.

یافته‌های پژوهش حاکی از تأثیر باورها و انتظارات غیرمنطقی فرهنگی از ازدواج به‌عنوان یکی دیگر از عوامل کاهش رضایت و دل‌زدگی در روابط زناشویی و ایجاد طلاق هیجانی است. اینکه عده‌ای ازدواج را

به‌عنوان حلال مشکلات و گذر از یک بحران و یا رهایی از تنهایی برمی‌گزینند و به‌سرعت احساس ناکامی به آن‌ها دست می‌دهد نشانه‌های انتظارات نامناسب فرهنگی نسبت به ازدواج است. افسانه‌های ازدواج نیز در کنار انتظارات غیرمنطقی از ازدواج یکی دیگر از عوامل تخریب‌کننده رابطه زناشویی است. فردی که خوشبختی را محصول انتخاب می‌داند و برای آن هیچ تلاشی نمی‌کند خیلی زود سرد می‌شود و ناکامی خود را به انتخاب غلط خود مرتبط می‌سازد.

همسو با این یافته‌ها بخشوده و بهرامی (۱۳۹۱) و (Young, & Long) ۱۹۹۸ که معتقد است کلید ازدواج موفق رها کردن افسانه‌پردازی‌هایی است که ازدواج به‌خودی‌خود همه آرزوهای ما را محقق می‌سازد. تفاوت‌ها فرهنگی یکی دیگر از یافته‌های این پژوهش است که همسو با این یافته‌ها، ثنائی (۱۳۷۹)، Erwin(2008)، زنگنه، ۱۳۸۰ و (wheeler, & al(2010) نقل شده در صادقی فسائی و ملکی پور، ۱۳۹۲) نشان دادند که تفاوت‌های فرهنگی نقش بسیار مهمی در روابط زناشویی دارد و تنش‌های فرهنگی عامل بی‌ثباتی در بین خانواده است. فردگرایی در خانواده، دموکراتیک شدن خانواده، خانواده فرزند محوری، خانواده زنانه، عرفی شدن خانواده، خانواده جهانی وطنی، جنسی شدن خانواده، چندرسانه‌ای شدن خانواده و مجازی شدن خانواده از مجموعه تحولاتی است که در کلان‌شهر کرج شاهد آن‌ها هستیم جهانی شدن در بعد فرهنگی که خانواده امروزی در آن نفس می‌کشد و در تماس مستمر با این فرهنگ است به‌عنوان یکی از مؤلفه تأثیرگذار بر طلاق هیجانی از دیگر یافته‌های این پژوهش است، فردگرایی مانع شکل‌گیری هویت زوجی، هویت مصرفی مانع قناعت، سکولاریسم مانع پای‌بندی به ارزش‌های دینی و بومی از جمله روایت‌های مشارکت‌کنندگان در این پژوهش بود که همه روابط اجتماعی و زناشویی را تحت تأثیر خود قرار داده است. همسو با این یافته‌ها (Arnett(2002) نقل شده در محسن زاده و شهرآرای (۱۳۸۹).

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد مسائل مالی و اشتغال از عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی و روابط زناشویی است. بیکاری و ناتوانی مرد خانواده در تأمین هزینه‌ها و مطالبات اعضای خانواده و مشکلات زوجین شاغل در زمینه تملک و دخل و تصرف درآمدها زن، استقلال مالی و عدم تمکین زن و نحوه هزینه درآمدها از جمله موارد اختلاف در زندگی زناشویی است که طلاق هیجانی را تسهیل کرده است. با یافته‌های (Amato (2010) همخوانی دارد.

دیگر یافته پژوهش حاضر این است که خانواده در وجود فرزندان خود خانه می‌کند. رفتارهایی که زوجین در رابطه زوجی از خود نشان می‌دهند تا حد زیادی ریشه در خانواده اصلی خود دارد. دختر و پسری که تنش‌های مکرر و راهبردهای ناکارآمدی را در رابطه والدین خود شاهد بوده‌اند، با انتقال آن‌ها به رابطه زناشویی خود زمینه ناکامی را در ازدواج خود فراهم می‌کنند. همسو با این پدیده ثنائی (۱۳۷۹) معتقد است فرد تعارضات خانواده اصلی و به‌ویژه تعارضات والدین خود را حمل می‌کند و در زندگی زناشویی خود

تکرار می‌کند. Foreman(2008) معتقد است یکی از عواملی که بر الگوهای ارتباطی افراد تأثیر می‌گذارد، تجارب فرد در خانواده اصلی‌اش است.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد، هر رابطه‌ای حتی رابطه زناشویی که منحصر به فرد، خاص و شمول‌ترین رابطه بین دو انسان است باید مرز و حریم فردی در آن رعایت شود و کمرنگ شدن مرزها، ندار بودن و عریان سازی از عواملی است که در رابطه زوجین درگیر طلاق هیجانی به‌وفور موج می‌زد که نه تنها از آن رنج می‌برند بلکه زمینه‌ساز، شک و بی‌اعتمادی و عدم احترام بین آنها شده بود. همسو با یافته خاکپور و همکاران (۱۳۹۴).

پژوهش حاضر نشان داد که مشکلات مربوط به رابطه جنسی یکی از بسترهای مهم تعارضات زناشویی است. زوجین درگیر طلاق هیجانی از نظر فراوانی و رضایت جنسی مشکل دارند. جنسی شدن صرف رابطه زناشویی، جایگزینی لذت جنسی به‌جای رضایت جنسی در رابطه زناشویی و تنوع‌طلبی جنسی نقش اجتناب‌ناپذیری در تعارضات زناشویی دارد اگرچه همه ازدواج رابطه جنسی نیست اما مشکلات ناشی از کژکاری‌های جنسی، نقش و عملکرد جنسی موجبات تنفر و بی‌زاری را در روابط همسران به وجود آورده است. همسو با این یافته Christopher, & Sprecher (2000) معتقدند رابطه جنسی بخش مهمی از روابط زناشویی است و عدم رضایت از رابطه جنسی می‌تواند به مشکلات عمیقی در روابط زوجین و در نهایت ایجاد نفرت از همسر منجر شود.

یافته دیگر پژوهش حاکی از آن است که زوجین بیش از آنکه از مشکل رنج ببرند به‌کارگیری راهبردهای ناکارآمد باعث تشدید بسیاری از تعارضات زناشویی و فضایی مملو از یاس و ناامیدی را در رابطه خود شده‌اند. راهبردهای ناکارآمدی چون (قهر کردن، ترک خانه و وارد کردن دیگران در رابطه) یا راهبرد سازشگری که نه تنها به حل مشکل کمکی نمی‌کند بلکه باعث سوءاستفاده بیشتر طرف مقابل گردیده است.

همسو با این یافته، Gottman(2002) دیوار سنگی^۱ را به‌عنوان یک راهبرد ناکارآمد و آسیب‌زایی که در آن رفتار همسری که با نگاه نکردن و اجتناب از گفتگو با همسر خود رفتار می‌کند را یکی از عوامل تخریب رابطه نام‌برده است.

در نهایت مؤثرترین یافته این پژوهش که به‌عنوان مقوله محوری نام‌گذاری شد عدم مراقبت و عشق‌ورزی است. در زندگی مشترک همه مشارکت‌کنندگان در پژوهش دوران طلایی و سرشار از لذت را تجربه کردند اما آنچه فضای ازدواج آنها را این چنین سرد و بی‌روح کرده است بی‌هنری زوجین بود؛ به خاطر نداشتن هنرنمودن هنر مرد بودن رابطه‌ای مملو از عشق را نابود کردند. همانند کشاورزی که زمین مناسب و

بذر مرغوبی را در اختیار داشته است و کاشت به موقعی هم انجام داده است، اما تمهیدات و مراقبت لازم را در مرحله داشت، بکارنگرفته است طبیعی است که در زمان برداشت چیزی عایدش نخواهد شد. رابطه یک موجود زنده است که نیاز مند تر و خشک کردن، مواظبت و مراقبت است هر نوع کم کاری، کم توجهی و کج سلیقگی باعث تخریب آن می شود. امروزه ما در دنیایی زندگی می کنیم که با ازدواج همه چیز شروع می شود بسیاری از زوج این تصور را ندارند و فکر می کنند با ازدواج همه چیز تمام می شود. همسو با این یافته، اریک فروم (1977) Erich Fromm ترجمه خوشدل (۱۳۶۹) معتقد است. لازمه عشق ورزی تلاش و فعالیت است. عشق بیش از آنکه شور و هیجان باشد فعالیت است؛ زیرا عشق بارور شامل توجه، احساس مسئولیت، احترام و شناخت است. عشق ورزیدن به دیگران یعنی مهرورزی به آن ها و به معنی مواظبت و مراقبت از آنان است. مقوله ی عدم مراقبت و عشق ورزی محور شکل گیری طلاق هیجانی است. این مقوله به ویژگی هایی همچون عدم شناخت، عدم احترام، عدم پذیرش، بی اعتمادی، عدم صداقت، عدم تعهد و وفاداری، عدم دغدغه بهزیستی دیگری و عدم حمایت بین زوجین درگیر طلاق هیجانی اشاره می کند.

همسو با روایت های مشارکت کنندگان در این پژوهش Beverly fehr، در Erber & Erber ترجمه تاجیک اسماعیلی و جواهری (۱۳۹۰) در مطالعه خود ۱۰ ویژگی اعتماد^۱، مراقبت^۲، صداقت^۳، دوستی^۴، احترام^۵، دغدغه بهزیستی دیگری^۶، وفاداری^۷، تعهد^۸، پذیرش^۹ و حمایت را به عنوان مرکزی ترین ویژگی های عشق نام برده است.

تحلیل و بررسی روایت های زندگی مشترک مشارکت کنندگان نشان داد که طلاق هیجانی یک پدیده فرایندی است که متاثر از عوامل، علی، شرایط بسترساز، کاربرد راهبردهای هیجانی و ناکارآمد و مداخله شرایط موقعیتی فرهنگی اجتماعی و اقتصادی است؛ که در بستر گسترده ای از قبل از ازدواج و کیفیت و پیشینه خانواده اصلی زوجین تا چگونگی تعاملات، مهارت های زناشویی و والدگری را در بر می گیرد. نکته قابل تامل این است که روایت های مشارکت کنندگان نشان داد، وجود بعضی از شرایط و عوامل به تنهایی باعث بروز تعارض و شکل گیری طلاق هیجانی در رابطه زوجی نمی شود، بلکه از تعامل مجموعه ای از شرایط و عوامل با خلاء شناختی و بی هنری زوجین باعث شکل گیری طلاق هیجانی شده است. مقوله

-
- 1 -Trust
 - 2 -Caring
 - 3 -honesty
 - 4 -Friendship
 - 5 -respect
 - 6 -Concern for others Well-being
 - 7 -Loyalty
 - 8 -Commitment
 - 9 -Supportiveness

محوری عدم مراقبت و عشق‌ورزی نشانگر آن است که رابطه زناشویی همانند یک موجود زنده نیاز مند رسیدگی و مراقبت است. عشق انرژی زاست، به رابطه شور و هیجان می‌دهد و ازدواج خوب، یکنواخت نیست، بلکه به هیجان، شور و شوق نیازمند است. هیجان آهنگ رقص زوجین است.

محدودیت و پیشنهاد های کاربردی

در پژوهش حاضر، نمونه مورد بررسی به روش هدفمند و تنها از افراد درگیر طلاق هیجانی در شهر کرج تامین شده و معرف کل زنان و مردان متاهل ایرانی و مسائل موجود در روابط آن‌ها نبوده است و مبنای داده‌ها روایت مشارکت‌کنندگان از زندگی شخصی خود می‌باشد، بنابراین، در تعمیم نتایج آن باید احتیاط صورت گیرد.

با توجه به اینکه مقوله ی عدم مراقبت و عشق‌ورزی، مقوله محوری در پژوهش حاضر استخراج شده است، تهیه کتابچه آموزشی و برگزاری کارگاه های آموزشی در راستای ارتقای هنر و مهارت های مراقبت و ضرورت تلاش برای مهرورزی و نگهداری از عشق در رابطه زوجی در جهت پیشگیری از یکنواختی رابطه پیشنهاد می‌شود.

همچنین مشکلات ناشی از روابط با جنس مخالف در دوران مجردی و قبل از ازدواج رسمی و شرعی تحت عنوان دوستی، گسترش یافته و در این پژوهش هم دیده شد که اکثر مشارکت‌کنندگان درگیر طلاق هیجانی از طریق رابطه دوستی ازدواج کرده اند. مراکز علمی و دانشگاهی مسئولانه و به صورت علمی به بررسی و آسیب شناسی این پدیده آسیب زا اهتمام جدی تری داشته باشند. چرا که امروز نه تنها کمکی به کیفیت ازدواج و طولانی شدن عمر ازدواج نکرده است بلکه جایگزین ازدواج به صورت همباشی وهم خانگی شده است. تاجایی که امروزه افراد غیر حرفه‌ای و غیرمسئول با کاربرد واژه نامیمون ازدواج سفید به جا همباشی‌ها هم خانگی، به نوعی با استفاده از واژه ازدواج به آن رسمیت داده اند و در حال جایگزین شدن به جای ازدواج رسمی و شرعی است. آموزش دیدگاه کاهش صدمات^۱ می‌تواند در کاهش آسیب ها مفید واقع گردد. تصحیح توهم های شناختی و شناخت های غلط که ناشی از ظن و گمان است با ارائه پژوهش‌های علمی یک ضرورت است. الزامی کردن مشاوره ازدواج با موضوعات (ارزیابی تحریک پذیری؛ مهارت های کنترل خشم؛ حل مسئله؛ تفکر انتقادی؛ مهارت های بین فردی؛ بررسی عشق های ناکام، و آموزش مراقبت از عشق بعد از ازدواج؛ بررسی افسانه های ازدواج (myth)؛ جایگاه خانواده های اصلی در ازدواج و بعد از آن (قبل از عقد رسمی)).

تصریح درباره عدم تناقض منافع

نویسندگان پژوهش حاضر متعهد می‌شوند که این پژوهش هیچ گونه ناهمسازی منافی ندارد و نتایج آن فاقد هرگونه منفعت اقتصادی برای نویسندگان بوده است. انجام این پژوهش تحت تأثیر ارتباطات خاص با اشخاص یا مراکزی که پژوهش در آن انجام شده است، قرار نداشته است.

سپاسگزاری

این پژوهش برگرفته از رساله ی دکتری مشاوره دانشگاه خوارزمی کرج با عنوان «شناسایی عوامل زمینه‌ساز طلاق عاطفی در بافت اجتماعی فرهنگی شهر کرج بود». لازم است کمال قدردانی و سپاس خود را از داده بخشان (مشارکت‌کنندگان) داشته باشیم.

منابع

- اخوی، زهرا؛ زهراکار، کیانوش؛ محسن زاده، فرشاد و احمدی، خدابخش (۱۳۹۶). بررسی عوامل زمینه‌ساز طلاق در بافت اجتماعی فرهنگی شهر تهران. *فصلنامه فرهنگی-تربیتی زنان و خانواده*، ۱۲(۴۰)، ۱۲۶-۱۵۰. [[link](#)]
- استراوس، آنسلم و کوربین، جولیت (۱۳۹۱). *مبانی پژوهش کیفی*، ترجمه ابراهیم افشار. تهران: نشر نی. [[link](#)]
- خاکپور، ایمان؛ نظری، علی محمود و زهراکار، کیانوش (۱۳۹۴). پیش‌بینی سازگاری زناشویی بر اساس مثلث سازی و ساختار قدرت در خانواده. *اندیشه و رفتار*، ۹(۳۳)، ۳۲-۴۵. [[link](#)]
- خجسته مهر، رضا؛ محمدی، علی و عباس پور، ذبیح اله (۱۳۹۵). نظریه زمینه ای فرایند شکل گیری نگرش به ازدواج. *مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت*، ۶(۲)، ۶۵-۸۴. [[link](#)]
- خلج آبادی، فریده و شجاعی، جواد (۱۳۹۲). نگرش دانشجویان دانشگاه های تهران نسبت به تأثیر معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج در رضایت زناشویی. *مطالعات راهبردی زنان*، ۱۶(۶۱)، ۱۸۹-۱۴۹. [[link](#)]
- دانائی فرد، حسن و امامی، مجتبی (۱۳۸۹). استراتژی های پژوهش کیفی: تاملی بر نظریه پردازی داده بنیاد. *اندیشه مدیریت*، ۱(۲)، ۹۷-۶۹. [[link](#)]
- دوآن شولتز (۱۳۶۹). *روانشناسی کمال*. ترجمه گیتی خوشدل. تهران: انتشارات نشر نو. [[link](#)]
- روشنی، شهره، باستانی، سوسن و گلزاری، محمود (۱۳۸۹). طلاق عاطفی: علل و شرایط میانجی. *مجله بررسی مسائل اجتماعی*، ۱(۳)، ۱-۲۰. [[link](#)]
- زمانی، ساره؛ احدی، حسن و عسگری، پرویز (۱۳۹۳). رابطه طلاق عاطفی با تصویر بدنی و کمال گرایی. *مطالعات روان‌شناختی*، ۱۰(۴)، ۴۹-۴۱. [[link](#)]
- ستوده، هدایت الله و بهاری، سیف الله (۱۳۸۶). *آسیب شناسی خانواده*. تهران: ندای آریانا. [[link](#)]
- شماعی کوپائی، میلاد و اسماعیلی گیوی، محمدرضا (۱۳۹۳). مدل پارادایمی مدیریت جهادی با استفاده از نظریه داده بنیاد. *چشم انداز مدیریت دولتی*، ۳(۵)، ۱۵۰-۱۱۹. [[link](#)]
- صادقی فسائی، سهیلا و ملکی پور، زینب (۱۳۹۲). تحلیل جنسیتی فاصله در روابط زوجین. *نشریه زن در توسعه و سیاست*، ۱۱(۱)، ۲۸-۱. [[link](#)]

- قلیلی، زهره (۱۳۹۱). بررسی تأثیر شیوه های گفتگوی مؤثر و حل مسئله بر تعارض زناشویی زوجین شهر اصفهان. پایان نامه، دانشگاه اصفهان. [[link](#)]
- کرسول، جان دلبیو (۱۳۹۷). طرح پژوهش: رویکردهای کیفی، کمی و ترکیبی، ترجمه کیامنش ودانای طوسی، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی (دانشگاه علامه طباطبایی). [[link](#)]
- محسن زاده، فرشاد؛ نظری، علی محمد و عارفی، مختار. (۱۳۹۰). مطالعه کیفی عوامل ناراضیاتی زناشویی و اقدام به طلاق. *مطالعات راهبردی زنان*، ۱۴ (۵۳)، ۴۲-۷. [[link](#)]

References

- Amato, P. R., & Previti. (2003). People's Reasons for Divorcing: Gender, Social Class, the Life Course, and Adjustment. *Journal of Family*, 24 (3), 602-626. [[link](#)]
- Are you heading for emotional divorce? (2000, October 24). Retrieved from <https://www.dailymail.co.uk/femail/article-5222/Are-heading-emotional-divorce.html>. [[link](#)]
- Arnett, J. J. (2002). *Psychology of globalization*. *American psychologist*, 57(10), 774-783. [[link](#)]
- Bourdieu, P. (1984). *Distinction: A Social Critique of the Judgments of the Taste*. Routledge. [[link](#)]
- Christopher, F. S., & Sprecher, S. (2000). Sexuality in marriage, dating, and other relationships. *Journal of Marriage and Family*, 62, (6) 999-1017. [[link](#)]
- Dyrenforth, P. S., & Kahsy, D. A., & Donnellan, M. B., & Lucas, R. E. (2010). Predicting relationship and life satisfaction from personality in nationally representative samples from three countries. *Journal of personality and social psychology*, 99(4), 690-702. [[link](#)]
- Ghalili, Z., Etemadi, O., Ahmadi, S. A., Fatehizadeh, M., & Abedi, M. R. (2012). Marriage readiness criteria among young adults of Isfahan: A qualitative study. *Interdisciplinary Journal of Contemporary Research in Business*, 4, (3), 1076- 1083. [[link](#)]
- Gottman, J. M., & Levenson, R. W. (2002). The timing of divorce: Predicting when a couple will divorce over a 14-year period. *Journal of Marriage and the Family*, 62(5), 737-745. [[link](#)]
- Kang, J. H., Kim, J., & Lee, M. A. (2016). Marital status and mortality: Does family structure in childhood matter? *Social Science & Medicine*, 23 (159), 152-160. [[link](#)]
- Kepler, A. (2015). *Marital Satisfaction: The Impact of premarital and couples counseling*. Master of Social work clinical Research (pp. 474). [[link](#)]
- Mohammadi, R., & Alizadeh, K & Sedaghat, M. (2011). Need for cognition and problem solving styles in divorce applicant couples and normal couples. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 30, (4), 894 – 898. [[link](#)]
- Shakerian, A. Nazari, A. M., Masoomi, M., Ebrahimi, P., & Danai, S. (2014). Inspecting the Relationship between Sexual Satisfaction and Marital Problems of Divorce asking Women in Sanandaj City Family Courts. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 114, 327 – 333. [[link](#)]

Young, M. E., & Long, L. L. (1998). *Counseling and Therapy for Couples Pacific Grove*. CA: Cole publishing Company. [[link](#)]

References (In Persian)

- Akhavi Samarin, Z., Zaharakar, K., Mohsenzadeh F., & Ahmadi, K. (2018). An Investigation into the Underlying Factors of Divorce in the Socio-Cultural Context of Tehran: A Qualitative Study. *Cultural and Educational Quarterly of Women and Family*, 12(40), 105-126. [[link](#)]
- Danaeifard, H., & Emami M. (2007). Strategies of Qualitative Research: A Reflection on Grounded Theory. *Strategic Management Thought*, 1(2), 69-97. [[link](#)]
- Creswell, J. W. (2009). *Research design: Qualitative, quantitative, and mixed methods approaches*. Thousand Oaks, CA: SAGE Publications. [[link](#)]
- Ghalili, Z. (2013). Effect of effective conversation and problem solving on marital conflict of married couples in Isfahan. Unpublished Master's dissertation. Isfahan University. Isfahan, Iran. [[link](#)]
- Khakpour, I., Mohammad Nazari, A., & Zaharakar, K. (2014). The Prediction of marital adjustment based on triangulation and structure of power in a family. *Journal of Clinical Psychology*, 9(33), 37-46. [[link](#)]
- Khalajabadi, F., & Shojaei (2014). The attitude of college students in Tehran towards the effect of premarital heterosexual relationships on marital satisfaction. *Women's Strategic Studies*, 16(61), 149-189. [[link](#)]
- Khojasteh mehr, R., Mohammadi, A., & Abbaspour, Z. (2017). Grounded Theory of Attitudes toward Marriage: A Qualitative Study. *Journal of Qualitative Research in Health Sciences*, 6 (3), 343-354. [[link](#)]
- Mohsenzadeh, F., Nazari, A. M., & Arefi, M. (2012). A qualitative study of factors associated with marital dissatisfaction and filling for divorce. *Women's strategic studies*, 14(53), 7-42. [[link](#)]
- Roshani, SH., Bastani, S., & Golzari, M. (2010). Emotional Devorce: Causes and Condition of Mediation. *Journal of Social Problems*, 1(3), 1-20. [[link](#)]
- Sadeghi Fasaee, S., & Malekipour, Z. (2014). Gender Analysis of Distance in Marital Relationship: Examples and Contexts Formation. *Journal of woman in development and politics*, 11(1), 1-28. [[link](#)]
- Shamaei Koupai, S., & Esmaeili Givi, M. (2014). The paradigmatic model of the jihadi management using the Grounded Theory. *Journal of Public Administration Perspective*, 3(5), 119-150. [[link](#)]
- Schultz, D. P. (1977). *Growth Psychology: Models of the healthy personality*. New York: Van Nostrand Reinhold. [[link](#)]
- Sotoudeh, H., & Bahari, S. (2008). *Family pathology*. Tehran: Nedaye Ariana. [[link](#)]
- Strauss, A., & Corbin, J. (1998). *Basics of qualitative research: Grounded theory procedures and techniques*. London: SAGE publications. [[link](#)]
- Zamani, S., Ahadi, H., & Asgari, P. (2015). Relationship of emotional divorce with body image and perfectionism. *Quarterly Journal of Psychological Studies*, 10(4), 119-136. [[link](#)]